



Religious Education in Iranian Schools during the Pahlavi Era: A Study through *Ta'limāt-e Dīnī* Textbooks

Gohar Norouzi ¹, Zeinab Fazli ^{2*}, Zahra Alhooii Nazari ³

1. A. in *History of Islamic Culture and Civilization*, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor at the Department of History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor at the Department of History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 2025/07/10

Received in revised form: 2026/01/02

Accepted: 2026/03/14

Published: 2026/03/21

Abstract

Textbooks, beyond their pedagogical function, constitute important sources for the study of intellectual and cultural transformations as well as official educational policies across different historical periods, including contemporary Iran. The school-centered educational system that had emerged in pre-Pahlavi Iran underwent significant expansion during the Pahlavi era, leading to substantial transformations in formal primary and secondary education. As a result, officially sanctioned religious instruction also came to constitute an important component of the curriculum in these schools. Within this framework, officially sanctioned religious instruction formed a significant component of the school curricula at both levels. Given the importance of curricular texts and content in school-based education, textbooks specifically devoted to religious instruction, entitled *Ta'limāt-e Dīnī* (*Religious Education*), were compiled. This raises the question of how the content of these textbooks evolved during the Pahlavi period and what dimensions of religious education in this era are illuminated by the substantive and formal changes in *Ta'limāt-e Dīnī* textbooks. Based on the findings of this study, which employs a qualitative content analysis methodology, *Ta'limāt-e Dīnī* textbooks during the Pahlavi period underwent a developmental trajectory in accordance with broader cultural and social transformations as well as the educational policies of the state. Whereas in the early Pahlavi period these textbooks were primarily structured around three themes—doctrinal beliefs, jurisprudence and religious rulings, and ethics—with a strong emphasis on the ritual dimensions of religion, in the later Pahlavi period, owing to shifts in educational policies and changes in textbook authorship, greater attention was paid to the social and economic dimensions of religion. Consequently, religious rulings pertaining to individual and social life assumed a more central position in the content of religious textbooks.

Keywords: School education; Textbooks; Pahlavi Era; *Religious Education*.

Cite as: Religious Education in Iranian Schools during the Pahlavi Era: A Study through Religious Instruction Textbooks. *Iranian History of Culture*. 2026; 3(1): 178-201.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2026.21423

*Corresponding Author: Assistant Professor at the Department of The History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. z.fazli@alzahra.ac.ir



Copyright ©The authors

Publisher: University of Tabriz



آموزش دینی مدرسه‌ای در ایران عصر پهلوی در آینه کتاب‌های تعلیمات دینی

گوهر نوروزی^۱، زینب فضلی^{۲*}، زهرا الهیویی نظری^۳

۱- گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲- گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳- گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

متون درسی افزون بر کارکرد آموزشی، از منابع مهم مطالعه تحولات فکری، فرهنگی و نیز سیاست‌های آموزشی رسمی در ادوار مختلف تاریخی از جمله ایران معاصر محسوب می‌شوند. نظام آموزشی مدرسه‌محور که در ایران پیشاپهلوی پدیدار شده بود، در دوره پهلوی گسترش چشمگیری یافت و آموزش رسمی ابتدایی و متوسطه در ایران دستخوش تحول گردید به‌گونه‌ای که آموزش‌های دینی رسمی نیز بخش مهمی از برنامه درسی این مدارس را تشکیل می‌داد. در این دوره، با توجه به اهمیت متون و محتوای درسی در آموزش مدرسه‌ای، کتاب‌هایی مختص آموزش‌های دینی با عنوان *تعلیمات دینی* تألیف شد؛ از این رو، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که محتوای این کتاب‌ها در دوره پهلوی چه تحولاتی را از سر گذرانده‌اند و تغییرات محتوایی و ظاهری تعلیمات دینی چه ابعادی از مسائل آموزش دینی در این دوره را روشن می‌کند؟ بنابر یافته‌های این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی، در دوره پهلوی، کتاب‌های *تعلیمات دینی*، متناسب با تحولات فرهنگی و اجتماعی و سیاست‌های این دولت، روندی تکاملی را از سرگذاردند؛ از این رو، در شرایطی که در اوایل سه مبحث «اصول عقاید»، «فقه و احکام» و «اخلاق» با تأکید بر بعد مناسکی دین، اساس تألیف این کتاب‌ها بود، در اواخر دوره پهلوی، به‌دلیل تغییر در سیاست‌های آموزشی و نیز تغییر مؤلفان کتاب‌های درسی دینی، ابعاد اجتماعی و اقتصادی دین بیشتر مورد توجه قرار داشت و احکام دینی مربوط به زندگی فردی و اجتماعی وجه محوری‌تری در محتوای کتاب‌های دینی پیدا کردند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مدرسه‌ای، متون درسی، دوره پهلوی، تعلیمات دینی.

نحوه ارجاع: "آموزش دینی مدرسه‌ای در ایران عصر پهلوی در آینه کتاب‌های تعلیمات دینی". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۵: ۳(۱)، ۱۷۸-۲۰۱.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۳۰۶۰-۸۰۶۶

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2026.21423





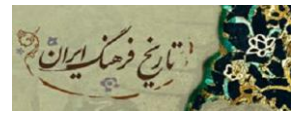
کتاب درسی یکی از ابزارهای مهم آموزش در هر مقطعی به‌شمار می‌رود و به‌واسطهٔ دربرداشتن محتوای آموزشی حائز اهمیت ویژه‌ای است و افزون‌بر انتقال دانش، اغلب نقشی بنیادین در شکل‌دهی به نگرشها، ارزشها و الگوهای فکری و فرهنگی نسل‌های پیش‌رو ایفا می‌کند. از زمان آغاز آموزش نوین و نظام آموزشی مبتنی بر متون درسی مدون در ایران، در آموزش مدرسه‌ای نیز آموزش‌های عقیدتی و دینی مورد توجه ویژه قرار گرفت. بدین ترتیب دورانی از آموزش‌های دینی در ایران آغاز شد که در آن مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای را در اندیشه دینی و شکل‌گیری زیست‌جهان مذهبی جامعه ایفا می‌کرد. از این رو، تألیف و تدوین کتاب‌های درسی برای تحقق بهتر اهداف مربوط به این مهم نیز در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت. نکته مهم در این خصوص اینکه تألیف و تدوین متون درسی مربوط به آموزش‌های دینی در مدرسه روندی تدریجی و تکاملی را طی کرده است. با وجود اینکه آموزش مدرسه‌ای به سبک نوین در ایران، هرچند به صورت محدود، در ایام پیشاپهلوی آغاز گشته و روند رو به گسترش خود را آغاز کرده بود، در دوره پهلوی عمومیت بیشتری یافت و با توسعه این سبک از آموزش همگانی در ایران، آموزش‌های دینی و مذهبی نیز جایگاه و اهمیت خاص خود را در برنامه‌های آموزش‌های مدرسه‌ای یافت. از این رو، تألیف و تدوین متون آموزشی اختصاصی مدارس ضرورت یافت و منتهی به پدیدار شدن کتاب‌های *تعلیمات دینی* گردید. این کتابها و متن آنها از این جهت اهمیت دارند که با بررسی آنها کیفیت و نیز رویکردهای حاکم بر آموزش‌های دینی رسمی ایران عصر پهلوی را می‌توان بررسی و تبیین کرد. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با اتکاء بر متون درسی دینی تألیف شده برای آموزش مدرسه‌ای مقطع متوسطه در دوره پهلوی، روند تکاملی همراه با دگرگونی محتوای متون آموزشی دینی را بررسی کند و ابعاد مختلف آموزش‌های دینی مدرسه‌ای را با اتکاء بر کتاب‌های *تعلیمات دینی* تبیین نماید.

پیشینه و روش تحقیق

باتوجه به ماهیت تاریخی این پژوهش و موضوع محوری آن یعنی متون درسی، برای تبیین تغییرات و روند تکاملی محتوای آموزشی کتاب‌های درسی دینی در دوره پهلوی از روش تاریخی-توصیفی و برای بررسی عمیق محتوای این متون و بیان ابعاد و مضامین پنهان و آشکار آنها از روش تحلیل محتوای کیفی¹ استفاده شده است؛ این روش این ویژگی را دارد که امکان توصیف محتوایی کتاب‌های *تعلیمات دینی* (دورهٔ پهلوی) را به همراه تفسیر و درک معانی آشکار و پنهان مندرج در داده‌های متنی و تصویری این کتاب‌ها را فراهم می‌کند. بنابر بررسی صورت گرفته، پژوهشی که در آن به صورت مستقل به بررسی کتاب‌های درسی دینی دوره پهلوی، با هدف بررسی تغییرات محتوایی آن پرداخته شده باشد، به‌انجام نرسیده است، با این اوصاف، می‌توان از برخی مطالعات کم و بیش مرتبط به‌عنوان پیشینه یاد کرد؛ اسفندیار معتمدی در مقاله «تحولات کتاب‌های درسی مدارس در ایران ۱۳۲۰-۱۳۹۰ ه.ش»، ضمن بررسی سیر تحول محتوای کتاب‌های درسی در ایران به بیان چگونگی تألیف کتاب‌ها توسط معلمان در سال‌های گذشته و تألیف کتاب‌های درسی در زمان کنونی توسط جمعی از مولفان پرداخته است (معتمدی، ۱۳۹۱). زهرا خدابنده‌لو نیز در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان *جایگاه دین در متون درسی پهلوی دوم* به بررسی جایگاه دین در نظام آموزشی دوره پهلوی می‌پردازد و بر این نظر است که آموزش و پرورش در دوره پهلوی دوم تحت تأثیر *تعلیمات مشاوران غربی* بود و رتپای دیدگاه غربی جداسازی دین از عرصه‌های اجتماعی در کتاب‌های *تعلیمات دینی* این

¹ Qualitative Content Analysis.



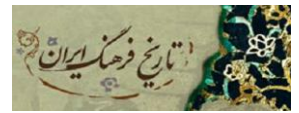


دوره دیده می‌شود (خدابنده‌لو، ۱۳۹۴). زهرا حامدی و دیگران در مقاله «بررسی ابعاد دینداری در درس شرعیات (مطالعه موردی دوران پهلوی)» سعی کرده‌اند ارزش‌های دینداری در مقوله‌های اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی دینی دوران پهلوی را بررسی کنند (حامدی و دیگران، ۱۳۹۹). با این وصف، پژوهش حاضر، درصدد است کم و کیف آموزش‌های دینی در ایران دوره پهلوی را با اتکاء بر متون کتاب‌های مورد استفاده برای آموزش‌های دینی و مذهبی در این دوره بررسی کند، امری که در مطالعات مذکور مورد توجه نبوده است.

درآمد: جایگاه دین و آموزش‌های دینی در سیاست‌های فرهنگی – آموزشی دولت پهلوی

ایران یکی از مقاطع مهم تاریخ معاصر خود را در دوره پهلوی سپری کرد به‌گونه‌ای که تحولات مختلف تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره، بسترهای شکل‌گیری ایران کنونی را فراهم آوردند. جامعه ایران نیز در این ایام دوران تاریخی همراه با دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی بنیادینی را طی می‌نمود؛ از یک سو، با پدیده سیاست‌های رسمی مدرن‌سازی با الگوهای غربی مواجه بود که در عین حال با اندیشه‌های ملی‌گرایانه درآمیخته بود و از سوی دیگر پیوستگی عمیقی با ریشه‌های فرهنگ دینی، اسلامی و شیعی خود داشت. این دوگانگی در زمینه مسائل آموزشی نیز تا حدود زیادی خود را نشان می‌داد. در واقع، سیاست‌گذاران حوزه آموزش مدرسه‌ای در عین حال که درصدد بودند به اصطلاح اندیشه‌های نوگرایانه و مترقی را به دانش‌آموزان بیاموزند و آنها را با تحولات علمی و تمدنی نوین آشنا سازند، باید به گرایش‌های عقیدتی عمیق جامعه نیز در این آموزش‌ها در یک چارچوب رسمی توجه نشان می‌دادند. از این رو، جایگاه دین و آموزش‌های دینی در سیاست‌های رسمی آموزشی عصر پهلوی همواره مورد بحث و مناقشه بوده است؛ این مناقشات نیز ریشه در این واقعیت دارد که دولت پهلوی در شرایطی که می‌کوشید نفوذ نهادهای مذهبی سنتی در جامعه را محدود نماید، در عین حال، نمی‌توانست جایگاه دین اسلام و مذهب تشیع در هویت ایرانیان را نادیده انگارد. به‌طور کلی هدف اصلی در آموزش دینی رسمی این دوره، تعلیم نوعی دینداری منضبط بود تا به‌رغم نوعی همراهی با بنیان‌های مذهبی و اعتقادی جامعه، آن را به سوی همگامی با سیاست‌های رسمی دولت پهلوی سوق دهد. از این رو، در تبیین سیاست‌های آموزشی دینی این دوره، این مهم مطرح می‌شود که این آموزش‌ها عمدتاً درصدد ایجاد بستری برای مشروعیت‌بخش برای حکومت خاندان پهلوی و سیاست‌های آن بود تا تعمیق باورهای دینی و مذهبی اصیل در جامعه؛ امری که در نهایت موجب ناکارآمدی این آموزش‌ها و فاصله گرفتن جامعه ایرانی از منظر عقیدتی با حاکمان پهلوی خود شد.

رضاشاه پهلوی (حک. ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) پیش از رسیدن به سلطنت عمدتاً از منظر دینی سیاست ملاحظه‌گری و همراهی با جامعه را در پی گرفته بود. او پس از رسیدن به قدرت و تحکیم پایه‌های حکومت خود این روند تغییر یافت و مخالفت‌ها و مقابله‌های متعددی در حوزه چگونگی نگرش به دین اسلام اتفاق افتاد (شعبانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۷؛ بابایی، ۱۳۸۹: ۱۲۹؛ امینی، ۱۳۸۱: ۳۳؛ و نیز نک. تاج الملوک، ۱۳۸۰: ۲۴۱). از نظر رضاشاه، ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبنای ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی، مانعی جدی برای مدرن‌سازی محسوب می‌شد (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۵۷) و علماء سنتی نیز در مواجهه با مشکلات دوران جدید، ابزارهای علمی و عملی لازم را نداشتند (هیرو، ۱۳۸۶: ۴۷، ۴۸). از این رو، از نظر رضا شاه برای نوسازی ایران به‌ناگزیر باید از الگوهای غربی توسعه تبعیت می‌شد (هامیلی، ۱۳۸۸: ۳۳). با این اوصاف، به‌رغم تلاش‌های



مقاله پژوهشی



رضاشاه برای غرب‌گرایی و تجددخواهی، آموزش سنتی و دینی در ایران برجیده نشد به‌گونه‌ای که دروس دینی همچنان در مدارس تدریس می‌شد (دائری و موسوی، ۱۴۰۰: ۳۲۳). با برجیده شدن حکومت رضاشاه در ۱۳۲۰ ش، بار دیگر نقش روحانیت در جامعه فزونی یافت و توجه به علوم دینی در میان مردم افزایش چشمگیری یافت (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸)؛ این در شرایطی بود که محمدرضاشاه برای جلب نظر مردم و روحانیون از سیاست تظاهر مذهبی بهره می‌گرفت (نجفی، ۱۳۵۵: ۲۶۲). با این وصف، او نیز چون پدرش پیشرفت و توسعه را در تحمیل الگوهای غربی توسعه بر جامعه دینی ایران می‌دانست (شفاهی و فتاحی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). از این‌رو، محمدرضاشاه نیز سیاست‌هایی را در پیش گرفت که با روحیه روحانیون و مردم در تضاد بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۳۴)؛ تجدید و تقویت آیین‌های ایران قبل از اسلام در ذهنیت ایرانیان، برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله و نیز تغییر تقویم رسمی کشور به تقویم شاهنشاهی از آن جمله بودند (حسینیان، ۱۳۸۲: ۱۰۷/۲). روشن است که سیاست‌گذاری در امر آموزش دینی در مدارس نیز تابعی از سیاست‌های کلان حاکمان پهلوی بود.

آموزش دینی - مدرسه‌ای در ایران عصر پهلوی

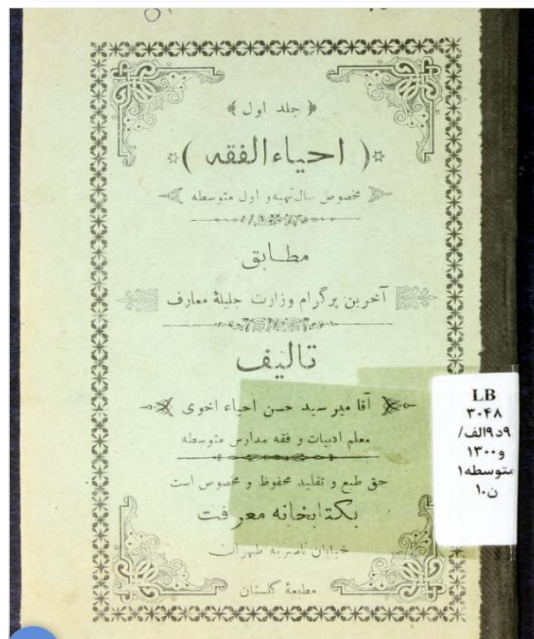
فعالیت آموزشی مدارس نوین که از اواخر دوره قاجار در ایران آغاز شده بود، در دوران پهلوی و در قالب نظام آموزش عمومی مبتنی بر مدرسه گسترش یافت. از این‌رو، در دوره سلطنت رضاشاه و در جریان فعالیت‌های مربوط به تجددگرایی در ایران، توسعه مدرسه و آموزش مدرسه‌محور بیش از پیش مورد توجه قرار داشت؛ در این دوره، به‌واسطه در پیش‌گرفتن رویکرد نوسازی آموزشی و افزایش موضوعات آموزشی مرتبط با دانش‌های مختلف ارائه شده در مدارس، از ساعات درس و حجم دروس مذهبی کاسته شد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸). در تصمیم رضاشاه برای گسترش آموزش مدرسه‌ای ذیل پروژه اصلاح نظام آموزش و پرورش، نیت ضمنی بر تضعیف روحانیت وجود داشت (آوری، ۱۳۶۱: ۵۹، ۶۰). بر این اساس، سیاست تحدید نفوذ روحانیون و تعلیم و تربیت مدارس که تولید آن با روحانیون بود به وزارت معارف واگذار گردید (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸: ۸۹/۲). از این‌رو، مدرسه‌های دینی که تا آن زمان تنها منابع تحصیلات مقدماتی بودند، برنامه‌هایشان زیر نظر وزارت فرهنگ، به‌مانند برنامه سایر مدارس دولتی تنظیم شد (رایت، ۱۳۸۲: ۸۰). محمدرضا شاه نیز با وجود اینکه درباره مسائل دینی تا حدود زیادی با پدرش هم‌نظر بود، اما برای همراه کردن نهاد مذهب با خود برای مقابله با ایدئولوژی کمونیستی با ورود دروس دینی در برنامه‌های درسی همراهی می‌کرد (هیرو، ۱۳۸۶: ۵۵). از این‌رو، در دوره سلطنت او، سیر تدوین کتاب‌های درسی دینی به سمت شریعت و اسلام سوق پیدا کرد. از ویژگی‌های دوره سلطنت محمدرضا پهلوی در مقایسه با دوره پدرش، توجه به تدریس درس *تعلیمات دینی* و اخلاق در دبیرستان‌ها بود. این توجه در سال‌های ۱۳۲۷، ۱۳۲۸ و نیمه اول سال ۱۳۲۹ ش به اوج خود رسید. از نشانه‌های این توجه می‌توان به حساسیت در تهیه کتاب‌های مناسب برای درس *تعلیمات دینی* مدارس و افزایش حجم زمان اختصاص یافته به این درس و درس اخلاق در دوره متوسطه اشاره کرد (سیر تحول برنامه درسی، ۱۳۷۹: ۱۳۷، راعی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۶۹).

متون درسی دینی و تعلیمات دینی در دوره حکومت رضاشاه



درباره محتوای آموزشی ارائه شده برای دروس و آموزش‌های دینی در دوره پهلوی به طور کلی این مهم را می‌توان مطرح کرد که تألیف و تدوین آثار مرتبط با این حوزه، عمدتاً روندی تکاملی را طی کرد، به‌گونه‌ای که در ابتدا آثاری تألیفی با محتوایی عمدتاً فقهی اساس کار بود، اما در نهایت منجر به تألیف کتاب‌های تعلیمات دینی شد. از این‌رو، در بررسی محتوایی کتاب‌های درسی دینی دوره رضاشاه می‌توان سه کتاب *احیاء الفقه*، *شرعیات نبوی* و *تعلیمات دینی* را مورد توجه قرار داد:

کتاب *احیاء الفقه* تألیف میرسید حسن احیا اخوی (تصویر شماره ۱) همانطور که از عنوان و محتوای آن برمی‌آید در اصل خلاصه‌ای از مسائل فقهی و شرعی عملی است که دانستن آنها بر هر فرد مسلمان الزامی است. در این کتاب نویسنده سعی کرده است تا مسائل فقهی را به زبان ساده و حتی‌المقدور متناسب با فهم دانش‌آموزان به رشته تحریر درآورد. از نظر محتوایی نیز کتاب *احیاء الفقه* مشتمل بر ۵۰ درس در ۴۲ صفحه تدوین و مشتمل بر دو دوره بود که دوره اول از کتاب «الاطعمه» آغاز و تا کتاب *فصل «الشفعه»* ادامه داشت. دوره اول، ۳۳ درس را شامل می‌شد که عبارتند از: کتاب (درس) «الاطعمه و الاشربه»، کتاب «الصید الذبایح»، کتاب «التجاره»، کتاب «السبق و الرمایه». دوره دوم با نام‌های کتاب «الشفعه»، کتاب «الدین»، کتاب «الرهن»، کتاب «الضمان»، کتاب «الحواله»، کتاب «الصلح»، کتاب «الوقف»، کتاب «الهیة و الصدقه»، کتاب «الاجاره» که از درس سی و چهارم تا درس پنجاه را در بر می‌گیرد (احیاء اخوی، ۱۳۱۳: ۳-۴۳). از منظر زبانی و بیانی نکته مهمی که درباره کتاب *احیاء الفقه* قابل توجه است اینکه به‌نوعی زبان رایج در کتاب‌های فقهی با زبان ساده کتاب‌های آموزشی مدارس در آن باهم ترکیب شده است؛ به‌گونه‌ای که در درس‌های مختلف این کتاب در حالی که تعابیر و اصطلاحات فقهی به‌مانند کتاب‌های فقهی تخصصی آمده‌اند، اما در توضیح آنها زبانی ساده و تقریباً قابل فهم برای دانش‌آموزان به کار بسته شده است. همچنین کوتاه و مختصر بودن مباحث دروس، که ظاهراً بر اساس ذائقه دانش‌آموزی تدوین شده‌اند، در نوع خود قابل توجه است.



تصویر شماره (۱): *احیاء الفقه*، تصویر روی جلد

کتاب آموزشی دیگر تألیف شده برای مدارس در این دوره کتاب *شرعیات نبوی* (تصویر شماره ۲) است که در سال ۱۳۱۱ش مطابق دستور شورای عالی معارف ایران، توسط سیدجلال‌الدین طهرانی، مدرس علم عقول مختص کلاس‌های پنجم، ششم و اول متوسطه تألیف گردید؛ در واقع، افزون بر اینکه ۳۲ درس (مبحث) آن برای سال اول متوسطه در نظر گرفته شده بود، بخش‌های تحت عنوان «فلسفه یا حکمت» و «معاصی کبیره»، به همراه مباحث اخلاقی مندرج در کتاب، در سال‌های پنجم و ششم آموزش داده می‌شد (شرعیات نبوی، ۱۳۱۱). به‌طور کلی، افزون بر اینکه عنوان کتاب *شرعیات نبوی* قرابت زیادی به کتاب *احیاء الفقه* دارد و نشان می‌دهد که محتوای مباحث کتاب به مسائل شرعی و فقهی اختصاص دارد، سبک و شیوه تألیف کتاب، سازماندهی محتوایی و نیز زبان به‌کار رفته در آن نیز شباهت زیادی به کتاب *احیاء الفقه* دارد. با این تفاوت که در مقایسه با آن اصطلاحات فقهی تخصصی در *شرعیات نبوی* کمتر به‌کار رفته است.



تصویر شماره (۲): *شرعیات نبوی*، تصویر روی جلد

مباحث مربوط به درس‌های اول تا چهارم کتاب *شرعیات* به اصول دین، مذهب، معانی و ادله اجمالی اصول دین اختصاص یافته است. همچنین در ادامه مباحث، مطالبی در باب امامت مطلقه و امامت خاصه بیان و تاریخ چهارده معصوم بررسی می‌شود. نکته جالب توجه اینکه صفحه‌ای به صورت خلاصه مباحث به بیان اسامی چهارده معصوم و اطلاعات مربوط به میلاد و وفات ایشان اختصاص داده شده بود (تصویر شماره ۳) تا آشنایی دانش آموزان با ائمه اطهار به طور کامل صورت گیرد (طهرانی، ۱۳۱۱: ۲-۱۱).

اسامی	سال تولد	سال وفات	مدت عمر	مدت امامت	مدفن
بیستمین ص	۵۲ قبل از ه	۱۱ قبل از ه	۶۳ سال	۲۳ نبوت	مدینه
فاطمه زهرا	۷	۱۱	۱۸	ندارد	مدینه
علی	۲۳	۴۰	۶۳	۴ رکعتی نجف	مدینه
امام حسن	۳	۵۰	۴۸	۱۰	مدینه
« حسین »	۴	۶۱	۵۸	۱۱	کربلا
« زین العابدین »	۳۸	۹۵	۵۷	۳۴	مدینه
« محمد باقر »	۵۷	۱۱۴	۵۷	۱۹	مدینه
« جعفر صادق »	۸۳	۱۴۷	۶۵	۳۴	مدینه
« موسی کاظم »	۱۲۸	۱۸۳	۵۵	۳۵	کاظمین
« رضا »	۱۴۸	۲۰۳	۵۵	۲۰	مشهد
« محمد تقی »	۱۹۵	۲۲۰	۲۵	۱۷	کاظمین
« علی نقی »	۲۱۳	۲۵۴	۴۱	۳۴	سامره
« حسن عسکری »	۲۳۲	۲۶۰	۲۸	۶	سامره
حضرت حجة عج	۲۵۵	ندارد	ندارد	غیر از خدا کسی ندیده اند	

تصویر شماره (۳): تصویر تاریخ مختصر زندگی چهارده معصوم (شرعیات نبوی، ۱۳۱۱: ۸ و ۹)

از درس پنجم تا انتهای درس بیست و چهارم کتاب شرعیات به بررسی فروع دین و مسائل و احکام مربوط به این مباحث پرداخته شده است (طهرانی، ۱۳۱۱: ۱۲-۸۲). احکام مطرح شده در این کتاب به صورت مفصل و با جزئیات کامل بیان شده است. برای نمونه؛ در قسمت اقسام آب و محاسبه آب کر یا جاری راه حل به صورت عمل و ضرب کسر متعارفی با محاسبه دقیق نمایش داده می شود (همان، ۱۹). در قسمت شکایات نماز هم توضیحات کامل در مورد شکایات صحیح با بیان جزئیات کامل و رسم جدول به چشم می خورد (همان، ۵۲-۵۳). درس بیست و پنجم تا سی و یکم کتاب شرعیات نبوی به احکام تجارت، بیع، خیارات یا اختیارات، رهن، اجاره و ارث می پردازد (همان، ۸۲-۱۰۲). باید خاطر نشان کرد که مطالب با جزئیات فراوان بیان شده است، اما در برخی موارد، مفاهیم و اصطلاحات مبهم کتاب بدون توضیحات پاورقی عنوان می شود که فهم مطلب را برای مخاطب دشوار می سازد و انباشت این مفاهیم در ذهن دانش آموز در صورت برطرف نشدن ابهام از سوی معلم در مسیر یادگیری خلل ایجاد می کند که از آن جمله می توان به واژه «مقارنات» در درس سیزدهم و اصطلاح «کثیر السفر» در درس هجدهم اشاره کرد (همان، ۳۸، ۴۸). درس سی و دوم کتاب شرعیات آغازگر بحث فلسفه یا حکمت عبادت است که فلسفه طهارت، عبادت، جماعت، فلسفه روزه، حج، خمس، جهد و امر به معروف را در بر می گیرد (همان، ۱۰۲-۱۰۶). از آنجا که آگاهی از فلسفه هر علمی در ابتدای آموختن آن علم مورد تاکید است، اگر قسمت فلسفه این کتاب در بخش ابتدای کتاب مطرح می شد به فهم و درک بهتر مسائل دینی و لزوم عمل به آنها کمک شایانی می نمود.

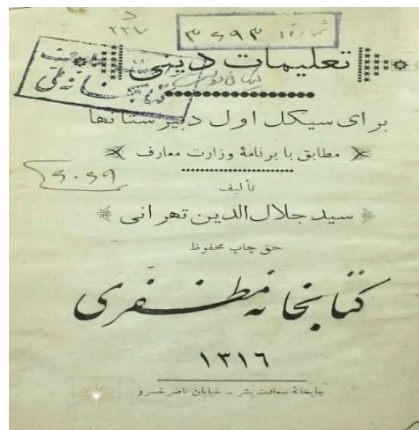
در قسمت معاصی کبیره مخصوص سال پنجم کتاب شرعیات مواردی چون شرک به خدا، فرار از جهاد، سوگند به دروغ، تفریط مال یتیم و موارد دیگر مطرح شده است و در قسمت مخصوص سال ششم مواردی در باب عاق والدین، غضب مال غیر، کم فروشی جزو معاصی کبیره بیان می شود (همان، ۱۰۶-۱۱۱). بخش بعدی کتاب شرعیات، موارد اخلاقی سال پنجم است که به بررسی وظایف اخلاقی انسان مانند: وظایف انسان نسبت به باری تعالی، پرهیزگاری، شرافت، سخاوت، تکالیف والدین نسبت به اولاد، نسبت به خواهران و برادران، نسبت به معلم و دوستان مدرسه و در بحث پایانی این بخش به آداب

مقاله پژوهشی

معاشرت می‌پردازد. بخش بعدی کتاب *شرعیات* به موارد اخلاقی سال ششم پرداخته و بر پای‌بندی به مسائل اخلاقی از جمله رعایت آزادی دیگران، وفای به عهد، حفظ قول و امضاء، معاشرت با نیکان، مدافعه از حق و حفظ شرف و آبرو تاکید کرده است (همان، ۱۱۱ - ۱۲۷). در بخش اخلاق این کتاب نیز به نظر می‌رسد اگر صفات اخلاقی با استناد به آیات قرآنی مطرح می‌شد مقبولیت بیشتری داشت. ضمن اینکه با تحقق این امر خلأ استفاده از احادیث و آیات قرآن در این کتاب پر می‌شد.

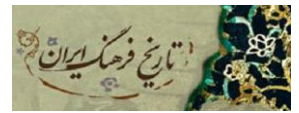
ظهور کتابهای تعلیمات دینی

از سال ۱۳۱۰ش بر اساس مصوبه وزارت معارف نام درس *شرعیات* به *تعلیمات دینی* تغییر یافت (حامدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۷). بر اساس دستور وزارتی سال ۱۳۱۰ش محتوای کتاب *تعلیمات دینی* باید بر مبنای آموزش مکارم اخلاق بر اساس قرآن و کلمات بزرگان اسلام صورت می‌پذیرفت. اما تبصره‌ای در این خصوص عنوان شده بود که دستور *تفضیلی تعلیمات دینی* مقطع متوسطه را به آینده موکول کرده بود (همان، ش: ۵۷). از این‌رو، کتاب *تعلیمات دینی* سال اول دبیرستان در سال ۱۳۱۶ش توسط سیدجلال‌الدین طهرانی در قالب ۹۵ صفحه و ۲۴ درس تالیف گردید (تصویر شماره ۴). نکته قابل توجه این است که کتاب از لحاظ محتوایی شباهت‌های زیاد و تفاوت‌های کمی با کتاب *شرعیات* این نویسنده دارد. این مهم می‌تواند بدین معنی باشد که به‌رغم تغییر عنوان کتاب‌ها به *تعلیمات دینی*، محتوای آنها در این مرحله هنوز چندان تفاوتی با متون قبلی این دروس نداشت. از این‌رو، مطالب کتاب *شرعیات* تا درس سی و یکم در این ۲۴ درس گنجانده شده و قسمت فلسفه یا حکمت هم با کتاب *شرعیات* مشترک است، بخش معاصی کبیره فقط سال پنجم ذکر شده و اخلاق سال پنجم و ششم هم که در کتاب *شرعیات* بود، در *تعلیمات دینی* حذف شده است.



تصویر شماره (۴): جلد کتاب *تعلیمات دینی*

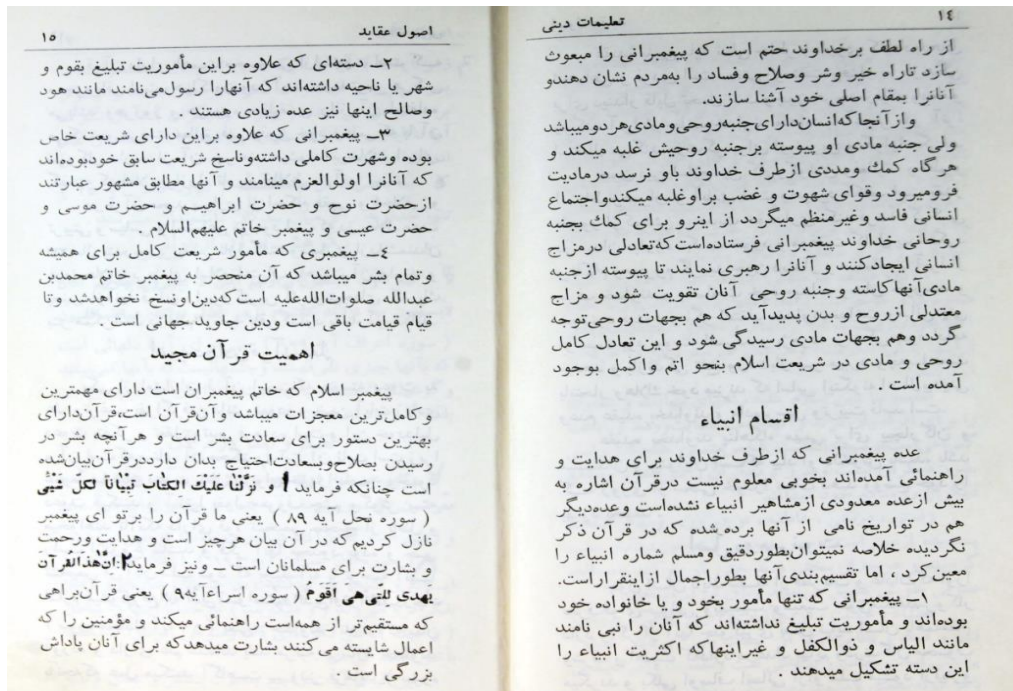
در کتاب در بخش *زکات تعلیمات دینی* پایه اول متوسطه دو جدول نصاب *زکات طلا* و *نقره* و نیز *زکات انعام* ثلاثه جدید اضافه شده است (طهرانی، ۱۳۱۶: ۵۵، ۵۶، ۶۰). محتوای کتاب‌های درسی دینی دوره رضاشاه از لحاظ مطالب مطرح شده و عناوین و سرفصل‌ها در سال‌های متفاوت تفاوت چندانی نداشت، ضمن اینکه در بخش احکام، به جای بیان کلیات مهمی که کاربرد آن در زندگی دانش‌آموزان محسوس باشد، به بیان احکام با جزئیات زیاد و غیر کاربردی پرداخته است. با



توجه به بررسی که از کتابهای سه‌گانه درسی مربوط به دروس دینی فوق به انجام رسید، با وجود اینکه در این مقطع تنوع تغییر عناوین متون و منابع این درس به انجام رسید و در نهایت عنوان کلی‌تر و عمومی‌تر *تعلیمات دینی* پدیدار شد، اما محتوای کتاب‌ها شباهت بسیار زیادی باهمدیگر داشتند و عمدتاً آموزش مسائل شرعی و فقهی در آنها محوریت داشت. با این اوصاف، می‌توان گفت که یک روند تکاملی در تألیف و تدوین کتاب‌های *تعلیمات دینی* آغاز شده بود که در دوره بعد و متأثر از تغییرات زمانی و تاریخی استمرار یافت.

تعلیمات دینی در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی

در دوره رضاشاه محتوای کتاب‌های آموزشی دینی به‌رغم برخی تغییرات ظاهری و شکلی تفاوت‌های بنیادینی با همدیگر نداشتند. در دوره محمدرضا پهلوی با وجود حفظ محوریت مسائل اعتقادی و شرعی، کتاب‌های *تعلیمات دینی* دوره متوسطه از نظر محتوایی تغییرات چشمگیری پیدا کردند تا جایی که عنوان و محتوا این کتاب‌ها قرابت بیشتری پیدا کردند. این مهم بدین معنی می‌تواند باشد که بر خلاف دوره پیشین، تنوع مباحث و تبدیل شدن مسائل شرعی و فقهی صرفاً به بخشی از آموزش‌های دینی-مدرسه‌ای این دوره تبدیل گردید. همچنین باید توجه داشت که با توجه به توسعه قابل توجه آموزش مدرسه‌ای در ایران در دوره محمدرضا پهلوی، توجه بیشتری نسبت به تدوین کتاب‌های درسی و ارتقاء سطح کیفی آنها انجام شد و کتاب‌های *تعلیمات دینی* نیز از این قاعده مستثنی نبود. بر اساس تغییرات محتوای این کتاب‌ها می‌توان دو دوره مختلف دهه‌های ۲۰ تا ۴۰ و نیز دهه ۵۰ شمسی را در بررسی آنها در نظر گرفت. نکته قابل توجه اینکه در کتاب‌های *تعلیمات دینی* نخستین، سه موضوع محوری اصول عقاید، فقه، احکام و اخلاق برجستگی قابل توجهی دارد. بخش اصول عقاید کتاب‌های *تعلیمات دینی* دوره محمدرضا شاه عمدتاً به اصول دین اختصاص داشت و فرق میان اصول دین و فروع دین مطرح شده است. مؤلفان در این قسمت (اصول عقاید) کوشیده‌اند دلایل اثبات اصول پنجگانه را از کتاب‌های معتبر علمای امامیه انتخاب و با عباراتی قابل فهم برای دانش آموزان بیان نمایند (*تعلیمات دینی*، اول دبیرستان، ۱۳۴۲: ۹-۲۱؛ *تعلیمات دینی*، دوم دبیرستان، ۱۳۴۲: ۱۴-۳۲؛ *تعلیمات دینی*، چهارم دبیرستان، ۱۳۳۶: ۱۱-۴۴). طرح بحث درباره فواید دین از جمله محورهای مهم این آثار بود و اصل نبوت، اقسام انبیاء و همچنین پیامبران اولوالعزم و در نهایت خاتم پیامبران معرفی شده‌اند (*تعلیمات دینی*، اول دبیرستان، ۲۱-۳۰؛ *تعلیمات دینی*، دوم دبیرستان، ۳۳-۶۷؛ *تعلیمات دینی*، چهارم دبیرستان، ۴۵-۸۸). معمولاً آغاز و مطلع هر بخش از کتاب *تعلیمات دینی* دهه ۲۰ تا ۴۰، با یکی از آیات قرآن مزین شده است تا از این طریق اعتبار مطالب تضمین گردد (برای نمونه: «پیغمبر اسلام که خاتم پیغمبران است دارای مهم‌ترین و کامل‌ترین معجزات می‌باشد و آن قرآن است»، سپس در تایید این جمله آیه ۸۹ سوره نحل بیان شده است (ابن‌الدین، ۱۳۴۲: ۱۵؛ تصویر شماره ۵).

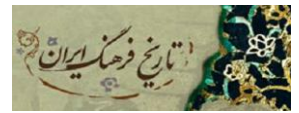


تصویر شماره (۵): توصیف مقام پیامبر (تعلیمات دینی، ۱۳۴۲: ۱۵)

در کتاب *تعلیمات دینی* تمام پایه‌های اول تا پنجم دوره متوسطه در بخش اصول عقاید، بخشی به بررسی شخصیت پیامبر (ص)، زندگی‌نامه و ویژگی‌های اخلاقی ایشان اختصاص داده شده بود (شریعت، ۱۳۳۴: ۴۳-۶۲)؛ برای نمونه در وصف پیامبر چنین آمده است: «پیغمبر اسلام علاوه بر مقام نبوت و مبعوثیت از طرف خداوند یکی از شخصیت‌های بزرگ عالم اسلام است که عموماً سر تسلیم در مقابل عظمت او فرود آوردند» (ابن‌الدین، ۱۳۴۲: ۲۱). در بخش اصول عقاید کتاب‌های *تعلیمات دینی* گاهی اوقات علاوه بر استناد به آیات قرآن از اشعار شاعران کهنی مانند فردوسی، نظامی و سعدی نیز استفاده شده است (تعلیمات دینی، چهارم دبیرستان، ۱۳۳۶: ۲۶؛ *تعلیمات دینی*، دوم دبیرستان، ۱۳۴۲: ۲۸ و ۲۹). برای نمونه، در کتاب سال دوم علاوه بر ذکر آیه ۱۹ سوره بقره در اثبات توانا بودن خداوند، ابیاتی از نظامی هم درباره همین صفت خداوند بیان شده است. که از آن جمله درباره توانایی خداوند، نظامی چنین سروده است (تعلیمات دینی دوم دبیرستان، ۱۳۴۲: ۲۷):

«وجودش بر همه موجود قاهر
نشانش بر همه ذرات ظاهر
زهی قدرت که در عبرت فزودن
تواند این چنین نقشی نمودن
که از خاکی چو گل رنگی برآرد
که از آبی چو ما نقشی برآرد»

در پایان بخش اصول عقاید پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم، موضوع «معاد» مطرح می‌شود و ضمن مباحث مربوط، تعریف آن و سپس دلایل وجود معاد ارائه می‌گردد (ابن‌الدین، ۱۳۴۲: ۲۹ و ۳۰؛ شریعت، ۱۳۴۲: ۶۹ و ۷۰؛ نوربخش، ۱۳۴۵: ۶۱-۶۳؛ شریعت، ۱۳۳۴: ۸۸-۹۰). محتوای بخش فقه و احکام کتاب‌های *تعلیمات دینی* دوره محمدضا پهلوی، از کتاب‌های معتبر فقه انتخاب و سعی شده بود که مسائل منتخب با فتوای مجتهدین و مراجع تقلید وفق داشته باشد تا از مزیت



مقاله پژوهشی

رساله‌های عملی این مراجع نیز بی بهره نگردد. در این کتاب احکامی در مورد نماز، انواع نماز (مستحبی و واجب)، مکان نماز، مبطلات نماز، مطهرات، اقسام آب، طهارت، غسل، روزه و اهمیت و درجات آن بیان شده که در *تعلیمات دینی* سال اول و دوم به صورت مشترک تکرار و مباحثی مانند خمس، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در *تعلیمات* سال دوم اضافه می‌شود. در *تعلیمات دینی* سال سوم احکام مختصری در مورد عقد لازم و جایز بیان شده است (نوربخش، ۱۳۴۵: ۱۰). در *تعلیمات دینی* سال چهارم تعریف عقد، اقسام آن، احکام بیع (خرید و فروش) و خیارات و اقسام آن، اطعمه و اشربه، حالت ناچاری، احیای موات و اهمیت آن مطرح شده است (نک: *تعلیمات دینی*، چهارم دبیرستان، ۱۳۳۶: ۹۲ - ۱۱۰). در بخش احکام سال پنجم دبیرستان نیز احکامی چون نکاح، مراحل ازدواج، مهر، تعهدات زن و شوهر، طلاق، مبحث ارث، موجبات ارث، قضا و داوری، قاعده مالکیت بیان می‌شود؛ در پایان بخش احکام *تعلیمات دینی* سال پنجم نیز بحث تقلید و اجتهاد گنجانده شده است (نک: *تعلیمات دینی*، پنجم دبیرستان، ۱۳۴۲: ۴ - ۴۰).

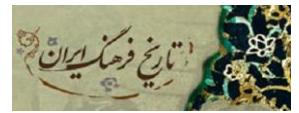
موضوع دیگری که در کتاب‌های *تعلیمات دینی* دوره محمد رضا پهلوی می‌توان به آن اشاره کرد «اخلاق» است. در کتاب *تعلیمات دینی* سال اول عناوینی از جمله وظیفه انسان نسبت به خدا، تحصیل علم، اهمیت مقام معلم، وظیفه دانش‌آموزان نسبت به معلم و بر عکس، عدالت و فواید آن، راستگویی و فواید آن، وظیفه انسان نسبت به پدر و مادر، همسایگان و خویشاوندان، وظیفه انسان نسبت به خود، آداب معاشرت، لزوم معاشرت با نیکان و احتراز از معاشرت با بدان به چشم می‌خورد (نک: *تعلیمات دینی*، اول دبیرستان، ۱۳۴۲: ۶۷ - ۹۸). در *تعلیمات دینی* سال دوم ضمن تأکید بر وظایف پدر و مادر نسبت به فرزندان و حق پدر و مادر، از مسائلی مانند احسان و فواید آن، تعاون، تفریط در مال یتیم، ناامیدی از رحمت خدا، قتل نفس، لزوم دفاع از حق، مضرات خشم و فرار از دفاع بحث می‌شود که از آنها در کتاب *تعلیمات دینی* سال اول ذکری به میان نیامده بود (*تعلیمات دینی*، دوم دبیرستان، ۵۶ - ۸۹). در کتاب *تعلیمات دینی* سال سوم و چهارم دبیرستان نیز در بخش اخلاق، ادامه فضایل و رذایل اخلاقی مطرح شده است. مواردی چون وجوب کار و اهمیت حرفه و صنعت، زیان‌های بیکاری و تنبلی، اعتماد به نفس، حرمت کم‌فروشی، حرمت ظلم و ستمگری، حرمت دروغ، حرمت غیبت و افتراء، حرمت رشوه، فواید و فضیلت کشاورزی، فضیلت قرض دادن، اجتناب از خدعه و سرقت گنجانده شده است (نک: *تعلیمات دینی*، سوم دبیرستان، ۱۳۴۵: ۶۵ - ۸۵؛ *تعلیمات دینی*، چهارم دبیرستان، ۱۳۳۶: ۱۱۲ - ۱۴۳).

در کنار بیان مسائل مختلف دینی در کتاب‌های *تعلیمات دینی* دوره پهلوی دوم، در مواردی از اشعار شاعران بزرگی چون سعدی، حافظ، فردوسی، رودکی، نظامی و حکایاتی از *معراج السعاده* ملا احمد نراقی (د. ۱۲۴۵ق) نیز استفاده شده است (شریعت، ۱۳۳۶: ۲۴؛ شریعت، ۱۳۴۲: ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۶؛ نوربخش، ۱۳۴۵: ۲، ۱۳؛ شریعت، ۱۳۴۵: ۲۸؛ ۲۹). برای نمونه، در کتاب سال پنجم در مورد بخل و حسد این دو بیت از رودکی بیان می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۴۲: ۸۴ و ۸۵):

«زمانه پندی آزاده وار داد مرا زمانه را چو نکو بنگری همه پند است
به روز نیک کسان گفت غم مخور زنهار بسا کسا که به روز تو آرزومند است.»

در قسمت اخلاق کتاب *تعلیمات دینی* سال پنجم، در انتهای مطالب هر صفت اخلاقی، منافع اجتماعی آن صفت و زیان‌های عمل نکردن به این اخلاق، به صورت شمارگان و مختصر بیان می‌شود (شریعت، ۱۳۴۲: ۸۱ و ۸۲؛ شعاری نژاد، ۱۳۳۶: ۷۶)؛ در بخش وفای به عهد، فواید و مضرات عمل کردن و عمل نکردن به این صفت اخلاقی بر شمرده شده و در کنار فضیلت





مقاله پژوهشی

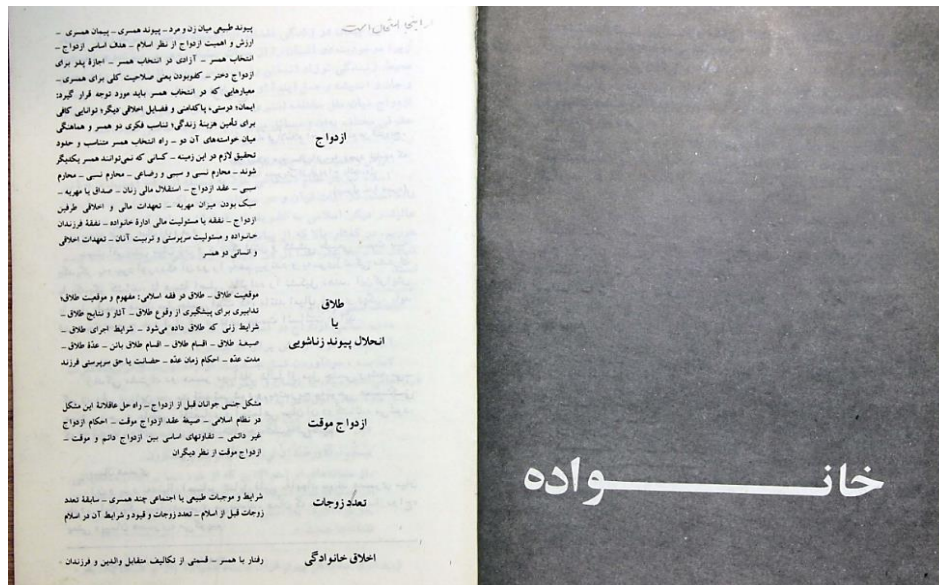


اخلاقی به ردیلت همان صفت اشاره شده است؛ در کتاب سال سوم بحث لزوم دفاع از حق آمده و در ادامه فرار از دفاع مورد نکوهش قرار گرفته است (نوربخش، ۱۳۴۵: ۱۱۹). در انتهای بعضی مباحث اخلاقی توصیه‌ای به دانش‌آموزان به صورت مستقیم مطرح می‌شود که برای بروز این صفت در آنها به تحصیل تعلیمات پرارزش اسلامی بپردازند (شریعت، ۱۳۴۲: ۱۲۳).

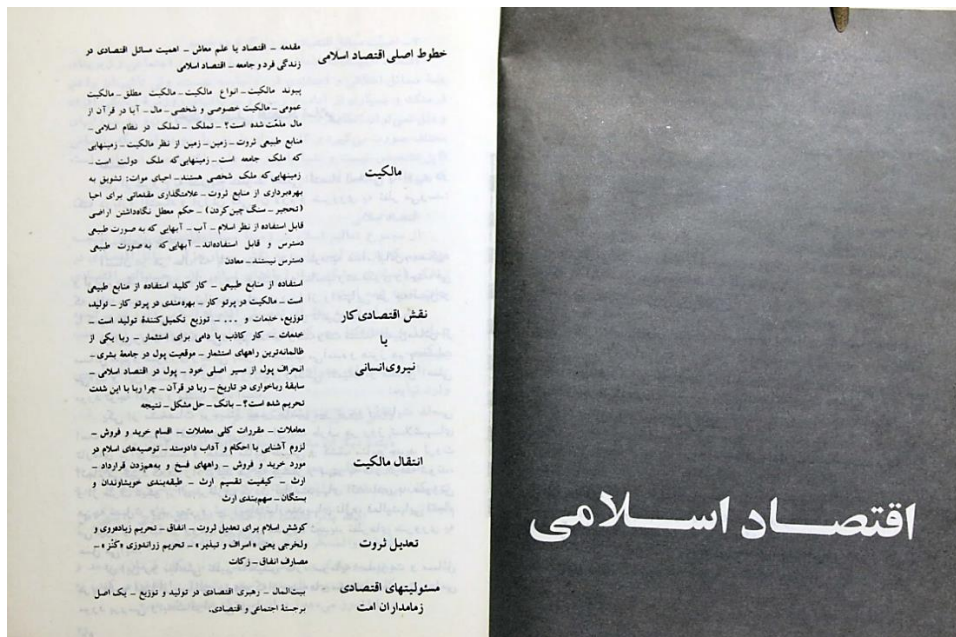
در کتاب‌های تعلیمات دینی دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ در بخش اصول عقاید، مطالب در هر سال مطابق سن، استعداد و ظرفیت ذهنی دانش‌آموزان مطرح و در پایه بالاتر مفاهیم تکمیل‌کننده مباحث سال قبل مطرح شده است. در ترجمه و شرح آیات از تفاسیر معتبر از جمله مجمع البیان و کشف استفاده می‌شود و در نوشتن فروع و احکام دین منطبق با فتاوی مجتهدین و علمای بزرگ شیعه و فقه جعفری دقت زیادی به عمل آمده است. در نقل تعاریف احکام نیز از کتاب‌هایی مانند تبصره علامه و عروه الوثقی ترجمه شده است (شعار و دیگران، ۱۳۳۶: مقدمه کتاب). در کتاب‌های تعلیمات دینی، دهه ۳۰ در بخش اصول عقاید، به زندگی رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار و عظمت قرآن مجید توجه بیشتری صورت می‌گیرد (نوربخش، ۱۳۳۵: ۱۱ و ۱۲). در نگارش اصول، فروع، احکام و اخلاق از آیات و از احادیث منقول از پیامبر و ائمه معصومین که برای محصلان قابل فهم باشد استفاده شده است. در بخش اخلاق کتاب تعلیمات دینی سه دهه مذکور گویا بیشتر تأکید بر پیاده کردن مبحث اخلاقی در جریان زندگی دانش‌آموزان و بهره‌مندی ایشان از کمالات اخلاقی است، ضمن اینکه طرح مطالب اخلاقی با استناد به آیات قرآن رشد اجتماعی دانش‌آموزان را ارتقاء می‌بخشد.

محتوای تعلیمات دینی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ش

مهمترین تغییرات و تحولات در محتوای دینی در دوره محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۰ش به‌انجام رسید به گونه‌ای که می‌توان گفت روند تکاملی محتوایی این کتاب‌ها که از دهه سی آغاز شده بود، در این مقطع به اوج خود رسید. در این تغییرات دو عامل افزایش نفوذ و قدرت جامعه متدین ایران و نیز قرار گرفتن مسئولیت تدوین این کتابها بر عهده مؤلفان متدین جوان و خوش‌فکر تأثیرگذار بود. در واقع، کتاب‌های تعلیمات دینی دهه ۵۰ به‌واسطه تغییر مؤلفان آنها نسبت به دهه‌های قبل تغییر کرده و این تغییرات در فهرست و سرفصل‌ها بازتاب داشته است. نکته مهم اینکه در تقسیم‌بندی مباحث این کتاب‌ها، بر خلاف رویه پیشین، سه محور اصول عقاید، احکام و اخلاق، اساس کار قرار نگرفته‌اند. محمدرضا باهنر، علی گلزاده غفوری، رضا برقی و پرویز ناتل خانلری به عنوان نویسندگان کتاب‌های تعلیمات دینی دهه ۵۰ بیشتر به تقویت بعد اجتماعی اسلام تأکید داشته‌اند. از این‌رو، محتوای تعلیمات دینی دهه ۵۰ به دو بخش خانواده و اقتصاد اسلامی تقسیم می‌شود (تصویر شماره ۶ و ۷) که در هر بخش احکام مربوط به آن حوزه نیز بررسی می‌شود (تعلیمات دینی، دوم دبیرستان، ۱۳۵۴: ۷ به بعد؛ تعلیمات دینی، چهارم دبیرستان، ۱۳۵۴: ۲۴ به بعد).

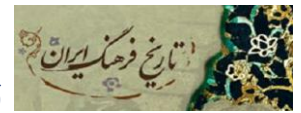


تصویر شماره (۶): تصویر عناوین بخش خانواده کتاب دینی (تعلیمات دینی، ۱۳۵۴: ۱۰ و ۱۱)



تصویر شماره (۷): تصویر عناوین بخش اقتصاد اسلامی کتاب دینی (تعلیمات دینی، ۱۳۵۴: ۵۸ و ۵۹)

در بخش خانواده، مباحث ازدواج، تشکیل خانواده، چندهمسری، طلاق، مهریه و احکام مربوط به آنها اشاره شده است (تعلیمات دینی، دوم دبیرستان، ۱۳۵۴: ۱۲ - ۵۷؛ تعلیمات دینی، چهارم دبیرستان، ۱۳۵۴: ۲۴ - ۵۷). در بخش اقتصاد اسلامی نیز به اهمیت مسائل اقتصادی در زندگی فرد و جامعه پرداخته می‌شود و در ادامه احکام مربوط به مالکیت، تملک،



مقاله پژوهشی

انواع خرید و فروش مورد بررسی قرار می‌گیرد (تعلیمات دینی، دوم دبیرستان، ۵۸ به بعد؛ تعلیمات دینی، چهارم دبیرستان، ۵۸ به بعد). در کتاب *تعلیمات دینی* دهه ۵۰ عناوین درس‌ها پشت سرهم بدون جداسازی بخش‌ها ذکر شده و قبل از شروع درس‌ها نیایشی با عنوان «آفریدگار جهان» در همه دیده می‌شود که ترجمه فارسی آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره حشر بیان شده است (باهر و برقی، ۱۳۵۳: ۳؛ همو، ۱۳۵۶: ۳).

درس‌های کتاب *تعلیمات دینی* دهه ۵۰، اغلب با آیه‌ای از قرآن مربوط به موضوع درس و ترجمه آن آغاز می‌شود و ذیل آن مطالب یادآوری شده در مورد این درس و ارتباط آن با آیه مذکور بیان می‌شود. در انتهای هر درس، قبل از طرح پرسش، ترجمه کلمات تازه بیان شده است؛ به عنوان نمونه در کتاب *تعلیمات دینی* سال سوم در درس «خدای دانا و توانا» ابتدا آیه ۳۳ سوره لقمان بیان شده و در ذیل آن پنج مطلب درباره ارتباط آیه با عنوان درس آورده شده است (همان، ۱۳۵۲: ۹ تا ۱۱؛ همو، ۱۳۵۶: ۵۸). طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ بخش احکام در کتاب‌های *تعلیمات دینی* تحت عنوان «خودسازی» بیان شده و به احکامی نظیر نظافت و طهارت، پاک‌کننده‌ها، احکام وضو، غسل، تیمم، احکام مربوط به ذبح حیوانات، به صورت مشترک در سه سال متوالی پرداخته شده است (همان، ۱۳۵۶: ۵۶ - ۸۳؛ همان، ۱۳۵۷: ۶۳ - ۷۹؛ همان، ۱۳۵۸: ۳۹ - ۵۵). از جمله موارد قابل توجه در بررسی محتوای کتاب‌های *تعلیمات دینی* دهه ۵۰ می‌توان به استفاده از نظرات متفکران غربی چون برتراند راسل^۱ و ویل دورانت^۲ در مورد قوانین و احکام دین اسلام اشاره کرد. به عنوان نمونه، نظر برتراند راسل در مورد قوانین احکام ازدواج موقت که در *تعلیمات دینی* سال دوم اینگونه مطرح شده است: «از این جهت که قوانین دین اسلام با قوانین روز دنیا برابر می‌کند و حتی از دید متفکران غربی احکامی که در مورد ازدواج موقت در اسلام وضع شده به شکل دیگری در دنیا بیان شده و راه حل مناسبی برای جلوگیری از فحشا دیده شده است» (همان، ۱۳۵۴: ۴۹). استفاده از تصاویر رنگی در کتاب *تعلیمات دینی* از سال ۱۳۵۵ با هدف جذاب کردن محتوای کتاب و ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری بهتر مطالب کتاب انجام گرفته بود؛ در کتاب *تعلیمات دینی* سال اول متوسطه تصاویر رنگی از مساجد اسلامی در کشورهای جهان گنجانده شده که در کتاب‌های سال‌های گذشته سابقه نداشته و در کتاب‌های *تعلیمات دینی* سال‌های بعد تکرار شده است (همان، ۱۳۵۵: ۷۳-۷۹؛ تصویر شماره ۸).

¹. Bertrand russell

². William James Durant



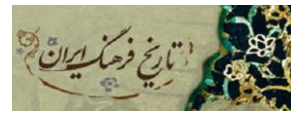


تصویر شماره (۸): تصاویر مساجد مسلمانان جهان (تعلیمات دینی، ۱۳۵۵: ۷۷)

در کتاب‌های تعلیمات دینی دهه ۵۰ وجود چشمگیر آیات قرآنی در تمام درس‌ها و پیوند عمیق آن با مفاهیم مطرح شده در کتاب نسبت به کتاب‌های دهه‌های گذشته چشمگیر به نظر می‌رسد و بحث توحید و خداشناسی بخشی زیادی از درس‌های ابتدایی کتاب را به خود اختصاص داده است. پرداختن به بعد اجتماعی دین و نمود آن در بستر خانواده و جامعه اسلامی در محتوای کتاب‌های درسی دینی دهه ۵۰ به ویژه اواخر این دهه بیشتر به چشم می‌خورد (همان، ۱۳۵۴: ۷-۹).

تغییرات طرح جلد کتاب‌های تعلیمات دینی

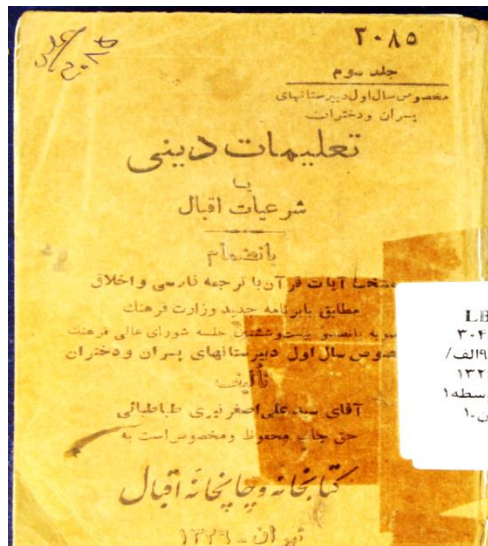
در کنار تغییراتی که در عنوان و محتوای کتاب‌های درسی مدارس متوسطه در دوره پهلوی به انجام رسید و در سطور پیشین به صورت اجمالی بررسی شد، تغییر مهم دیگر که بی‌ارتباط با محتوای این کتاب‌ها نیست، تغییرات رخ داده در طرح‌های صفحه عنوان و جلد این کتاب‌ها است. توجه به این تفاوت‌های طرح جلد‌های این کتاب‌ها می‌تواند برخی از تغییرات و تحولات متناسب با شرایط روز و نیز سیاست‌های آموزشی دینی رسمی را نشان دهد. نخستین کتاب‌های آموزشی دینی دوره رضاشاه اغلب جلد‌هایی ساده داشتند. کتاب *احیاء الفقه* به‌عنوان متن درسی مدارس جلدی به رنگ کرم روشن و برای حاشیه صفحه روی جلد از طرح‌های اسلیمی استفاده شده و نقاشی و طرح گرافیکی غیر از حاشیه دیده نمی‌شود. بر روی جلد این کتاب در کنار عنوان، «آخرین پرگرام وزارت جلیله معارف»، نام مؤلف و آدرس چاپخانه نیز در پایین درج شده است (نک. تصویر شماره ۱). شرعیات نبوی جلدی به رنگ آجری داشت و علاوه بر عنوان کتاب، نام مؤلف و آدرس چاپخانه بر روی آن دیده می‌شد؛ روی جلد کتاب شکل درختی طراحی شده که برگ و بارش به شکل نقشه ایران است و تمام استان‌های ایران در



مقاله پژوهشی

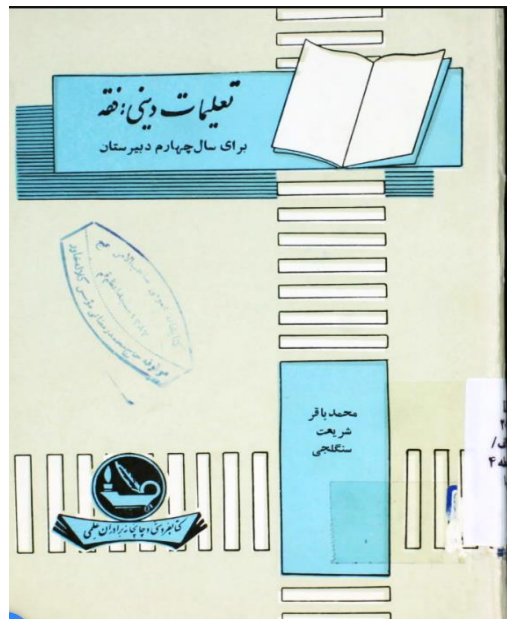
جای خودشان در نقشه مشخص شده‌اند. آنچه قابل توجه می‌نماید اینکه برای اولین بار برای کتاب دینی درسی، از طراحی و نقاشی برای روی جلد استفاده شده است و تلفیق طرح نقشه ایران و درخت در حقیقت حس همبستگی و ملی‌گرایی را در ذهن تداعی می‌کند (نک. تصویر شماره ۲). جلد کتاب *تعلیمات دینی* منتشره در سال ۱۳۱۶ش، نیز طراحی تقریباً ساده داشت و افزون بر عنوان، عبارت «برای سیکل اول دبیرستان‌ها»، به‌همراه نام مؤلف «جلال الدین تهرانی» بر روی آن درج شده بود (نک. تصویر شماره ۴).

تعلیمات دینی منتشر شده در ۱۳۲۶ش با عنوان فرعی «*شرعیات/اقبال* به انضمام منتخب آیات قرآن»، تألیف سید علی اصغر نیری طباطبایی طرح و نقش خاصی ندارد (تصویر شماره ۹) و علاوه بر نام کتاب و مؤلف، این توضیح ذکر شده که محتوای کتاب «مطابق برنامه جدید وزارت فرهنگ» و «مخصوص سال اول دبیرستانهای پسران و دختران» تألیف شده است. همچنین در اولین صفحه بعد از جلد رونوشت بخشنامه برنامه *تعلیمات دینی* و اخلاقی مصوب شورای عالی فرهنگ چاپ شده است، که محتوای کتاب را به صورت مختصر بیان می‌کند.



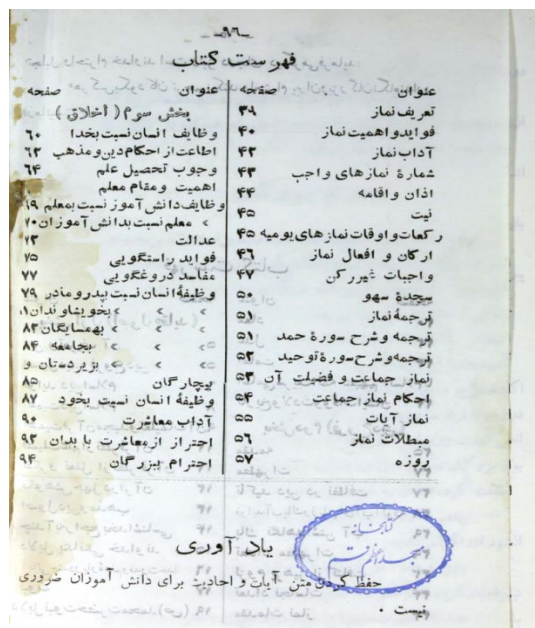
تصویر شماره (۹): جلد روی کتاب *تعلیمات دینی*، (۱۳۲۶)

جلد *تعلیمات دینی* چاپ شده در ۱۳۳۴ش «برای سال چهارم دبیرستان» به رنگ سفید و آبی کم‌رنگ طراحی شده و از اشکال هندسی مستطیل و دایره در آن استفاده شده است. بالای صفحه سمت راست کادر مستطیل شکل، یک کتاب باز طراحی شده و قسمت چپ، عنوان کتاب و پایه آن ذکر شده است. در پایین سمت راست روی جلد، داخل کادر مستطیل آبی رنگ، نام مؤلف قید شده و قسمت چپ پایین صفحه، طرح یک مرکب و قلم به شکل پر، نماد نوشتن و نگارش، چاپ شده است (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره (۱۰): طرح روی جلد (تعلیمات دینی، ۱۳۳۴)

متن اصلی کتاب با بسم الله الرحمن الرحيم و صلواتی کامل و مفصل بر حضرت محمد(ص) و خاندانش آغاز و این بیت از نظامی گنجوی آغاز شده است: «خرد هر کجا گنجی آرد پدید/ به نام خدا سازد آن را کلید». در ادامه صفحاتی را به بیان محتوای کلی کتاب و عناوین فصول اختصاص داده است. در کتاب‌های تعلیمات دینی دهه ۳۰، فهرست مطالب در آخرین صفحه کتاب گنجانده می‌شد (تصویر شماره ۱۱).

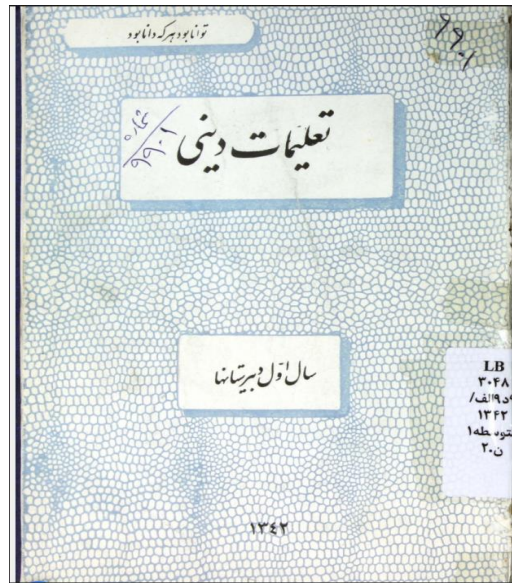


تصویر شماره (۱۱): نمایش فهرست کتاب در صفحه آخر (تعلیمات دینی، ۱۳۳۴)

مقاله پژوهشی

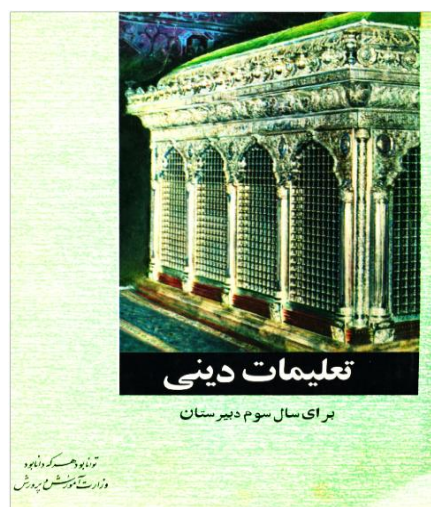


جلد تعلیمات دینی منتشره در سال ۱۳۴۲ش، به رنگ آبی و سفید و از اشکال هندسی مستطیل در طراحی جلد آن استفاده شده است؛ سه کادر مستطیل شکل نیز در آن دیده می‌شود که در کادر اول بالای صفحه سمت چپ، تک مصراع «توانا بود هر که دانا بود»، در کادر دوم وسط صفحه، عنوان کتاب *تعلیمات دینی* با فونت درشت‌تر و در پایین صفحه، سال چاپ نوشته شده است (تصویر شماره ۱۲). طرح پشت جلد کتاب با زمینه‌ای آبی و سفید که در وسط صفحه از طرحی به شکل خورشید و کتابی باز رو به خورشید استفاده شده است.



تصویر شماره (۱۲): طرح روی جلد کتاب (تعلیمات دینی، ۱۳۴۲)

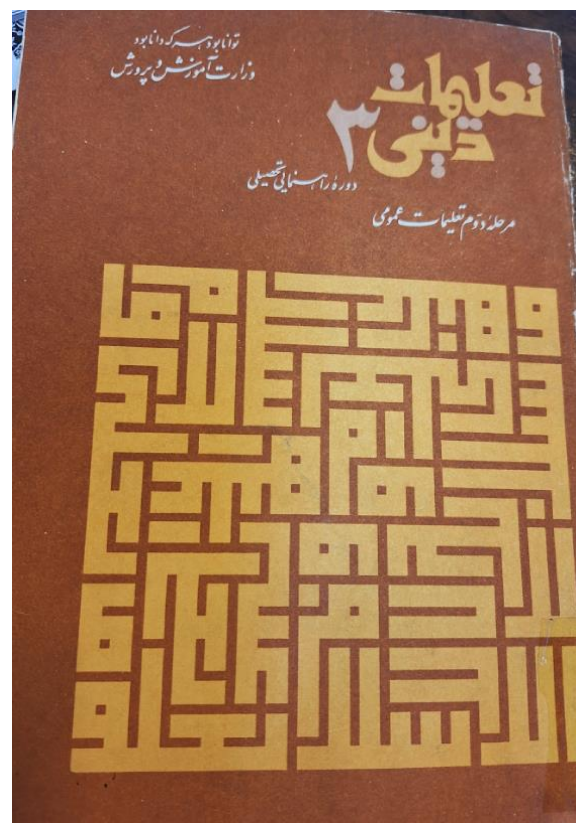
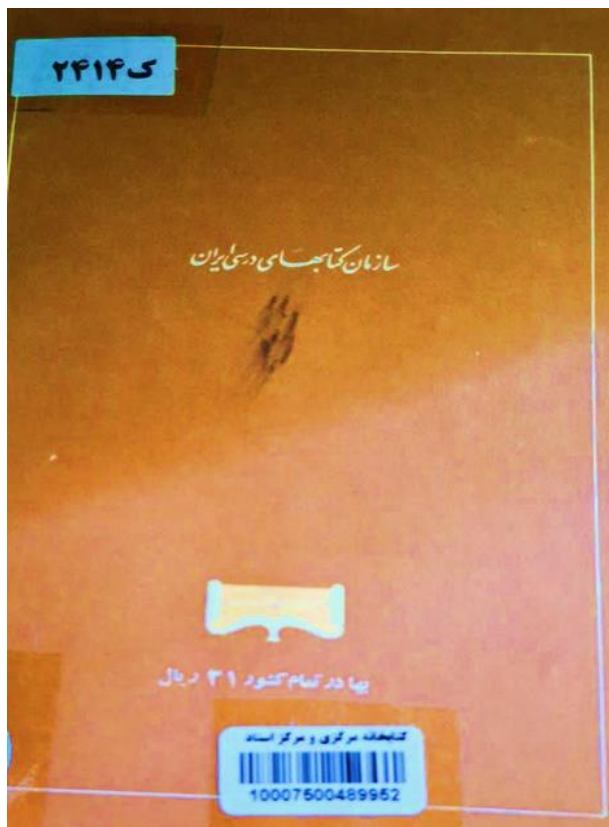
رنگ جلد کتاب *تعلیمات دینی* سال ۱۳۴۶ش نیز به رنگ سبز و تصویری از بارگاه امام رضا (ع) بر روی آن است و در پایین صفحه سمت چپ، تک مصراع «توانا بود هر که دانا بود» چاپ شده است (تصویر شماره ۱۳).



تصویر شماره (۱۳): طرح رو جلد کتاب (تعلیمات دینی، ۱۳۴۶)

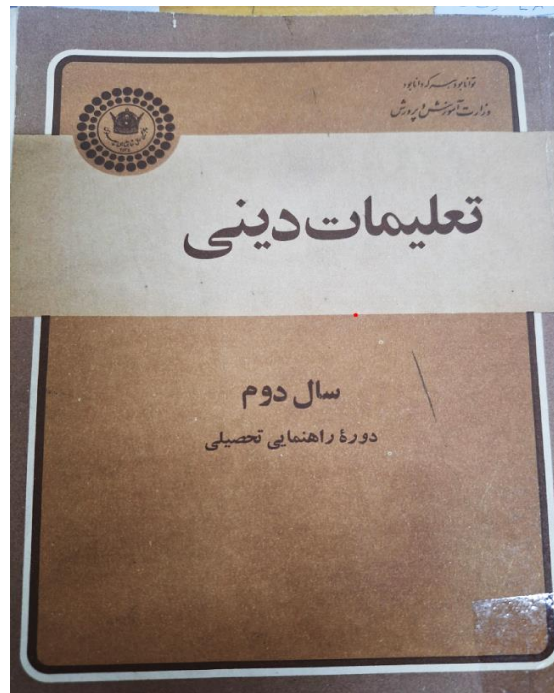
مقاله پژوهشی

تعلیمات دینی منتشر شده به سال ۱۳۵۳ش جلدی به رنگ قهوه‌ای و کرم دارد و عنوان کتاب با فونت فانتزی بر آن درج شده و کنار آن، پایه تحصیلی از عدد ۱ تا ۳ به نشانه پایه اول تا سوم راهنمایی استفاده شده است. همچنین در بالای صفحه به‌مانند کتاب‌های تعلیمات دینی دهه ۴۰، تک مصرع «توانا بود هر که دانا بود» نوشته شده است. دو سوم صفحه روی جلد به جمله‌ای با طراحی اسلیمی اختصاص یافته است. طرح پشت جلد کتاب تعلیمات دینی سال ۱۳۵۳ش نیز، تمام قهوه‌ای، با کادر سفید رنگی در حاشیه صفحه، وسط صفحه نام ناشر (سازمان کتاب‌های درسی ایران) با خط نستعلیق و پایین صفحه بهای کتاب چاپ شده است (تصویر شماره ۱۴).



تصویر شماره (۱۴): طرح روی جلد و پشت کتاب (تعلیمات دینی، ۱۳۵۳)

جلد تعلیمات دینی سال ۱۳۵۵ش با رنگ زمینه قهوه‌ای و نواری کرم رنگ به پهنای نام کتاب با فونت درشت‌تر طراحی شده و چون با پنجاهمین سال حکومت شاهنشاهی پهلوی مصادف شده بود، بالای صفحه سمت چپ، طرحی با شکل هندسی دایره حک شده که داخل آن نقش یک تاج سلطنتی و در زیر آن تاریخ شاهنشاهی نوشته شده است (تصویر شماره ۱۵).



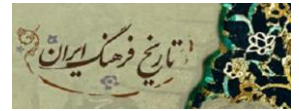
تصویر شماره (۱۵): طرح روی جلد کتاب (تعلیمات دینی، ۱۳۵۵)

نتیجه

به‌رغم سیاست‌های متفاوت حکومت پهلوی با گرایش‌های فرهنگی جامعه متدین ایرانی، دین و آموزه‌های آن در متون آموزشی مدارس حضور معناداری داشتند که نشان دهنده کرنش نظام سیاسی حاکم در برابر رویکردها و گرایش‌های عمیق جامعه ایرانی است. بررسی کتاب‌های مورد استفاده در آموزش‌های دینی مدارس در پنج دهه حکومت پهلوی نشان می‌دهد که با وجود در پیش گرفتن سیاست‌های مذهبی متفاوت از خواست اکثریت جامعه دینی ایران از سوی رژیم پهلوی، به‌دلیل جایگاه محوری دین اسلام و باورهای دینی در جامعه ایرانی و نیز حضور پررنگ مؤلفان متدین در تألیف کتابهای درسی این دوره، کتابهای درسی معرف و مبین حضور دین به اشکال مختلف آن در زندگی ایرانیان در این دوره است. به‌طور کلی، کتابهای درسی دینی در ایران نیمه اول قرن چهاردهم هجری شمسی نشان می‌دهد که باورهای دینی، آموزش عقاید و ارزش‌های مذهبی جایگاهی محوری در این متون داشتند. همچنین از نظر ظاهری اغلب نمادهای دینی، ملی و مذهبی در کنار هم برای طراحی جلد‌های این کتاب‌ها استفاده می‌شدند. لازم به ذکر است محتوی کتابهای درسی دینی مدارس در دوره پهلوی و تحولات و روند تکاملی آن از حالت بسیط و سنتی در سالهای نخستین به رویکردهای نوگرایانه و همه‌جانبه دینی در دهه پنجاه نشان دهنده روند تحولات همراه با تعمیق باورهای دینی در جامعه ایران در دوره پهلوی و برخلاف سیاست‌های رسمی حاکمیتی می‌تواند باشد.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.



تشکر و قدردانی (اختیاری)

منابع

- ابن‌الدین، عبد‌الحسین (۱۳۴۲). *تعلیمات دینی*، اول دبیرستان. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های درسی ایران.
- احیاء اخوی، میر سید حسن (۱۳۱۳). *احیاء الفقه*. تهران: مطبعه گلستان.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن* (ابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.
- آوری، پیتیر (۱۳۶۱). *تاریخ معاصر ایران* (جلد دوم). (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: انتشارات عطایی.
- حامدی، زهرا و دیگران (۱۳۹۹). بررسی ابعاد دینداری در درس شرعیات (مطالعه موردی دوران پهلوی). *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال یازدهم، شماره چهل و سوم، صص ۷۹-۱۰۷.
- حسینی، علی و دیگران (۱۳۹۹). سیر تدوین کتاب‌های تعلیمات دینی و سرگذشت آنها در دوره پهلوی. *همایش علمی و پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی*.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۲). *انقلاب اسلامی: زمینه‌ها، چرایی و چگونگی* (جلد دوم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خدابنده‌لو، زهرا (۱۳۹۴). جایگاه دین در متون درسی پهلوی دوم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- دادرسی، نقی و موسوی، میرصمد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی پرورشی نهاد آموزش و پرورش در عهد پهلوی اول. *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال چهارم (۱۴).
- راعی، سجاد و رحمانیان، داریوش (۱۳۹۶). سیاست و آموزش در دوره پهلوی دوم. *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)*. ۲ (۹۶)، صص ۵۷-۸۰.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۴۲). *تعلیمات دینی* (پنجم دبیرستان).
- شعبانی، رضا و دیگران (۱۳۹۸). جایگاه دین در دوره پهلوی. *پژوهشنامه تاریخ*، ۱۳ (۹۷)، صص ۹۹-۱۲۴.
- شفاهی، محمد کاظم و فتاحی، عاطفه (۱۳۹۱). تعامل نهاد دین و دولت در عصر پهلوی. *پژوهش در تاریخ*، صص ۱۰۷-۱۳۱.
- طهرانی، جلال‌الدین (۱۳۱۱). *شرعیات نبوی* (سیکل اول دبیرستان). تهران: فرهمند.
- طهرانی، جلال‌الدین (۱۳۱۶). *تعلیمات دینی*. تهران: انتشارات سعادت بشر.
- عیوضی، محمد رحیم و هراتی، محمد جواد (۱۳۸۹). *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*. قم: دفتر نشر معارف



معتمدی، اسفندیار (۱۳۹۱). بررسی تاریخ تحولات کتابهای درسی مدارس در ایران ۱۲۳۰ - ۱۳۹۰ ش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۵ صص. ۱۱۲ - ۱۲۰.

نجفی، سید محمد باقر (۱۳۵۵). شاهنشاهی و دینداری. تهران: سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران.

نوربخش، کمال الدین (۱۳۴۵). تعلیمات دینی (سوم دبیرستان). تهران: شرکت سهامی طبع و نشر کتابهای درسی ایران.

نیری طباطبایی، سید علی اصغر (۱۳۲۶). تعلیمات دینی یا شرعیات اقبال. تهران: اقبال.

هامبلی، گاوین. آر. جی. (۱۳۸۸). استبداد پهلوی؛ رضاشاه ۱۹۴۱-۱۹۲۱. تاریخ ایران کمبریج. جلد هفتم. قسمت سوم. دوره پهلوی. ترجمه تیمور قادری. تهران: انتشارات مهتاب.

هیرو، دیلیپ (۱۳۸۶). ایران در حکومت روحانیون (یعقوب دارابی، مترجم). تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

Bibliography:

‘Abd-al-Ḥosayn Ebn-al-Din (1963). *Ta’limāt-e dīnī, Awwal dabīrestān*. Tehrān: Šerkat-e saḥāmī-ye ketābhā-ye darsī-e Īrān.

‘Alī Ḥoseynī et al. (2020). “Seyr-e tadvīn-e ketābhā-ye ta’limāt-e dīnī va sargozašt-e ānhā dar dowra-ye Pahlavī,” *Hāmāyeš-e ‘elmī va pāžūhešī-ye tose‘e va tarvīj-e ‘olūm-e tarbiātī va ravānšenāsī*, p. 18.

‘Alī-Akbar Ša‘ārī-Nežād et al. (1963). *Ta’limāt-e dīnī (Panjom dabīrestān)*.

Dīlīp Hīrō (2007). *Īrān dar ḥokūmat-e rūḥānīyūn* (tr. Ya‘qūb Dārābī). Tehrān: Markaz-e Baš-nāsī-ye Eslām va Īrān.

Ervand Ābrahāmīān (2010). *Tārīḳ-e Īrān-e modern* (tr. Ebrāhīm Fattāhī). Tehrān: Našr-e Ney.

Esfandiār Mo‘tamadī (2012). “Barrāsī-ye tāriḳ-e taḥavvolāt-e ketābhā-ye darsī-ye madāres dar Īrān 1851–2011,” *Pāžūheš va neḡāreš-e kotob-e dānešgāhī*, 25, pp. 112–120.

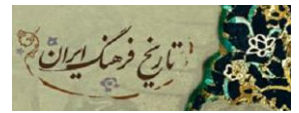
Ġalāl-al-Dīn Ṭehrānī (1932). *Šarī‘iyāt-e nabavī (Sīkl-e avval-e dabīrestān)*. Tehrān: Farhumand.

Ġalāl-al-Dīn Ṭehrānī (1937). *Ta’limāt-e dīnī*. Tehrān: Enteshārāt-e Sa‘ādat-e Bašar.

Gāvin R. J. Hambly (2009). *Estebdād-e Pahlavī; Reżā-šāh 1921–1941, Tārīḳ-e Īrān-e Cambridge*, vol. 7, pt. 3 (Dowra-ye Pahlavī), tr. Tīmūr Qāderī. Tehrān: Enteshārāt-e Mahtāb.

Kamāl-al-Dīn Nūrbakhš (1966). *Ta’limāt-e dīnī (Sevom dabīrestān)*. Tehrān: Šerkat-e saḥāmī-ye ṭab‘ o našr-e ketābhā-ye darsī-ye Īrān.

Mīr Sayyed Ḥasan Aḥyā‘-e Aḳavī (1934). *Eḥyā‘ al-feqh*. Tehrān: Maṭba‘a-ye Golestān.



Moḥammad-Ḥosayn Šarīfī Sā'ī (2022). "Tavallod-e madrese dar Īrān: revāyat-e tārikī az zohūr-e āmuzeš va parvareš-e modern dar jāme'a-ye Īrānī," *Tārik-e 'Elm*, 20(2), pp. 1–29.

Moḥammad-Kāzem Šafāhī and 'Ātefeh Fattāhī (2012). "Ta'āmol-e nahād-e dīn va dowlat dar 'ašr-e Pahlavī," *Pāžūheš dar Tārik*, pp. 107–131.

Moḥammad-Raḥīm 'Ayyūzī and Moḥammad-Ġavād Herātī (2010). *Darāmadī taḥlīlī bar Enqelāb-e Eslāmī-ye Īrān*. Qom: Daftar-e Našr-e Ma'āref.

Naqī Dādrasī and Mīr Šamad Mūsavī (2021). "Āsīb-šenāsī-ye parvarešī-ye nahād-e āmuzeš va parvareš dar 'ahd-e Pahlavī-e avval," *Fašlnāme-ye 'elmī-ye jāme'e-šenāsī-ye sīāsī-ye Īrān*, yr. 4, no. 14.

Pīter Āverī (1982). *Tārik-e mo'ašer-e Īrān*, vol. 2. (tr. Moḥammad Rafī'ī Mehrābādī). Tehrān: Entesārāt-e 'Aṭā'ī.

Rezā Ša'bānī et al. (2019). "Ġāygāh-e dīn dar dowra-ye Pahlavī," *Pāžūhešnāme-ye Tārik*, 13(97), pp. 99–124.

Rūḥ-Allāh Ḥoseyniān (2003). *Enqelāb-e eslāmī: zamīnehā, čerā'ī va čegūnegī*, vol. 2. Tehrān: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.

Sajjad Rā'ī and Dāryūš Raḥmānīān (2017). "Sīāsāt va āmuzeš dar dowra-ye Pahlavī-e dovvom," *Fašlnāme-ye 'elmī-pāžūhešī-ye Tārik-e Eslām va Īrān, Dānešgāh-e al-Zahrā (s)*, 2(96), pp. 57–80.

Sayyed 'Alī-Ašgar Nīrī Ṭabāṭabā'ī (1947). *Ta'limāt-e dīnī yā Šarī'iyāt-e Eqbāl*. Tehrān: Eqbāl.

Sayyed Moḥammad-Bāqer Naḡafī (1976). *Šāhanšāhī va dīndārī*. Tehrān: Sāzmān-e Rādīo va Televeziōn-e Mellī-ye Īrān.